

ایستادان مسکات



پنجم دانشجویی دانشگاه شاهد

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شاهد
مدیر مسئول: حامد رضایی
سرمدیر: بهنام حاجیان
ویراستار و صفحه آرا: محمد صدرا محمدی و امیرحسین خواجه
هیئت تحریریه: محمد مهدی محمودی، زهرا علیایی،
فاطمه عامری، سید محمد سیدادتی

مسکات

نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه شاهد / وقایع آذر ماه ۱۴۰۳

امیدوار به فردا

سخن سردبیر

رشد و تغییر بسیار سخت است و شاید گاهی اوقات با احوال ما سازگار نباشد و ما نیز دنبال پذیرش شرایط نباشیم؛ اما وقتی به "خود" برمی گردیم می فهمیم در دل همین مشکلات و سختی ها، توسعه و پیشرفت فردی صورت می گیرد وقتی شرایط دشوار می شود خیلی ها ناامید و خسته می شوند و خیلی ها نیز می دانند و در ذهن خود دائماً صحبت های جان فدا را مرور میکنند (میزان فرصتی که در بحران ها است در خود فرصت ها نیست). اما شرط آن، نهراسیدن است؛ نترسیدن و نترساندن است. آنها به خوبی رشد کرده، جریان ساز می شوند و در تندباد حوادث از یادها نمی روند چرا که مقاوم هستند و امیدوار به تغییر. قطعاً جوانان این سرزمین هدفشان را می شناسند و در راه آبادانی اش با عزمی راسخ گام برمی دارند.

دوستان بزرگوار من! برادران و خواهران گرامی! می دانم که شرایط سخت و دشوار است. می دانم که دشمنی دشمنان قسم خورده این آب و خاک روز به روز افزون می شود؛ اما چقدر خوب است که بدانیم فردا روشن است و آینده با تلاش های امروز من و شما روشن تر خواهد گشت.

همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

به پیام آشنایان بنوازد آشنا را



روز قانون اساسی، یادآور هویت و اتحاد ملی

محمد مهدی محمودی
دانشجوی کارشناسی
رشته فقه و حقوق

قانون اساسی، منشوری است که روح ملت را در قالب واژه‌ها به تصویر می‌کشد. در ایران، این سند ارزشمند نتیجه تلاش‌های مردم برای استقرار عدالت، آزادی و احترام به کرامت انسانی است. روز قانون اساسی، فرصتی است تا به این میراث ملی نگاه دوباره‌ای بیندازیم و یادآوری کنیم که چه مسیر پرپیچ و خمی برای دستیابی به آن پیموده شده است.

در تاریخ پر فراز و نشیب ایران، قانون اساسی نمادی از اتحاد و همدلی مردم بوده است. هر کلمه‌اش نشانگر آرزوها، دردها و امیدهای نسلی است که برای ساختن آینده‌ای بهتر ایستادگی کردند. این روز، نه تنها جشن قانون بلکه تقدیر از مردمی است که با هم‌صدایی و ایثار، پایه‌های این سند بزرگ را بنا نهادند.

قانون اساسی فراتر از یک متن قانونی است؛ این قانون، حافظ آرمان‌ها و هویت ملی ماست. وقتی به آن می‌نگریم، انعکاس مبارزات و تلاش‌های ملت را می‌بینیم که چگونه برای ایجاد یک نظام حقوقی عادلانه تلاش کرده‌اند. روز قانون اساسی، فرصتی است تا به این حقیقت بیندیشیم که قدرت یک ملت در پایبندی به اصول و ارزش‌های مشترک نهفته است.

روز قانون اساسی یادآور این است که ما به عنوان یک ملت، باید همیشه پاسدار حقوق و ارزش‌هایی باشیم که این سند از آن‌ها حمایت می‌کند. این روز، تجدید پیمانی است برای ادامه راهی که نسل‌های پیشین آغاز کرده‌اند. راهی که در آن احترام به قانون، احترام به انسانیت است.

بیایید در این روز بزرگ، با افتخار به گذشته‌مان، برای آینده‌ای روشن‌تر قدم برداریم. روز قانون اساسی، یادآور ارزش همبستگی و تعهد ملی است؛ روزی که ما را به یاد می‌آورد قدرت واقعی یک ملت در رعایت عدالت و احترام به حقوق دیگران است.

رسالت دانشجویی: نگاهی به مسئولیت‌ها

زهرا علیایی  دانشجوی کارشناسی رشته فیزیک

در دل دانشگاه، جایی که آوای علم و دانش به گوش می‌رسد، جوانانی با آرزوهای بزرگ و ایده‌های نو، پا به عرصه می‌گذارند. هر یک از این دانشجویان نه تنها به دنبال کسب دانش هستند، بلکه رسالتی عمیق‌تر و انسانی‌تر را نیز بر دوش دارند. رسالت دانشجویی، به معنای شناختن و درک کردن مسئولیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی است که بر عهده ایشان گذاشته شده است.



در روزهای نخست ورود به دانشگاه، شور و شوقی وصف‌ناپذیر در دل‌ها وجود دارد. اما به تدریج این شور و شوق باید به سمت هدفی بزرگ‌تر هدایت شود. دانشجو باید یاد بگیرد که علم تنها ابزاری برای پیشرفت فردی نیست بلکه کلیدی برای گشودن درهای تغییر اجتماعی است. او باید درک کند که هر دانشی که کسب می‌کند، می‌تواند به بهبود جامعه و رفع مشکلات آن کمک کند.

به عنوان یک دانشجو، مسئولیت‌های اجتماعی فراتر از کلاس درس و نمرات است. این مسئولیت‌ها شامل آگاهی از مسائل روز جامعه، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، و تلاش برای ارتقاء سطح آگاهی عمومی است. دانشجو باید صدای نسل خود باشد؛ صدایی که از دل مشکلات و چالش‌ها برمی‌خیزد و به سمت حل آن‌ها حرکت می‌کند.

در این راستا، برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و رویدادهای فرهنگی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. این فعالیت‌ها نه تنها به ارتقاء سطح دانش جامعه کمک می‌کند، بلکه فرصتی برای تبادل نظر و گفتگو درباره مسائل مختلف را فراهم می‌آورد. در چنین فضایی، دانشجویان می‌توانند با همفکری یکدیگر، راهکارهایی برای مشکلات موجود ارائه دهند و به عنوان نیروی محرکه‌ای برای تغییر عمل کنند.

علاوه بر این، دانشجو باید با انتقاد سازنده از وضعیت موجود، به دنبال راهکارهایی برای بهبود آن باشد. نقدها باید مبتنی بر واقعیت‌ها باشند و به جای تخریب، به ساختن کمک کنند. این نوع از تفکر انتقادی، نه تنها موجب رشد فردی می‌شود، بلکه به جامعه نیز کمک می‌کند تا از چالش‌ها عبور کند.

در پایان، رسالت دانشجویی به معنای تلاش برای ایجاد یک جامعه عادلانه‌تر و پایدارتر است. هر دانشجو باید بداند که صدای او می‌تواند تأثیرگذار باشد و با همفکری و همکاری می‌تواند به تغییرات بزرگ دست یابد. همانطور که رهبر فرزانه‌ی ما فرمودند:

من می‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه دانشجویی کشور، مجموعه‌ای متعهد و دارای احساس مسئولیت نسبت به آرمانهای دانشجویی باشند. یکی از این آرمانها مسئله علم است؛ دومی عدالتخواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادیخواهی است.

بیایید با هم، به عنوان دانشجویان این سرزمین، رسالت خود را جدی بگیریم و با علم و آگاهی، آینده‌ای روشن‌تر بسازیم. ما نه تنها دانشجویان هستیم؛ ما سفیران تغییر هستیم.



کجا قرار گرفتن دانشجو و جریان های دانشجویی در طوفان حوادث

فاطمه عامری  دانشجوی کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی



چه می جویی؟
عشق همین جاست!

چه می جویی؟
انسان اینجا است،
همه ی تاریخ اینجا حاضر است،
بدر و حنین و عاشورا اینجا است،
و شاید آن یار،
او هم اینجا باشد ...

مدتی از ورودم به بسیج دانشجویی و همراه شدن با کاروان عشق می گذشت.

روزهایی را سپری می کردم که در کتاب یا از زبان بزرگتر هایم شنیده بودم؛ اما اکنون در مورد مسائل کشورم، در جایگاه دانشجویی نقشی

اثر گذار داشته ام و از نزدیک لمس کرده ام. حالا برایم خیلی واضح است که در برهه ی حساس تاریخ، این دانشجو است که در صف اول، نقش آفرینی می کند و مهمتر اینکه نگاه رهبرم سید علی به دانشجو هاست. و این برایمان هم شیرین و هم مسئولیت آور بود.

اتفاقات اخیر جامعه، مثل فتنه زن زندگی آزادی که خود به تنهایی روضه مصور است، شهادت رئیس جمهور و غم فقدان او و یارانش و ترور سید مقاومت، تا سقوط دمشق و...!!

همه اینها گوشه ای از اتفاقاتی بود که تا امید دارند دانشجو به عنوان موذن و فردی اثر گذار در جامعه باید حاضر باشد و در این میدان، درست نقش آفرینی کند.

حالا که بیشتر از پیش، موج حوادث به کشتی متلاطم کاروان می‌کوبد، دانشجوی دهه هشتادی باید مجهز به چه چیزی باشد و نقش اصلی او چیست؟

فکر مشغول این احوال بود که نگاهم افتاد به پرچم (یا زهرا سلام الله علیها) که مقابل چشمانم استوار ایستاده و آرام آرام تکان می‌خورد.

گویی صاحب پرچم مرا به کوچه‌های غریب مدینه برد. به آن زمانی که حضرت صدیقه طاهره، حضرت علی (ع) را مأمور به صبر می‌دید؛ خار در چشم و استخوان در گلو.

اما او یقین داشت که مأمور به تکلیف هست و نه مأمور به نتیجه...

حضرت در آن زمان درست تشخیص داد که برای ولی‌زمانش از جان و طفلی که در راه داشت و تمام آبرو و حیثیت خود بگذرد و لازمه‌ی تمام اینها تشخیص درست تکلیف بود و ۱۴۰۰ سال گواه تشخیص درست حضرت زهرا (س) بود که با اخلاص تاجایی که توانست برای این تشخیص درست تلاش کردند.

صاحب پرچم پاسخ سوالم را برایم نمایان کرد

دلَم هزار گِره داشت، همچو رشته‌ی سحر

ز سحرِ چشمِ خوشت، آن همه گِره بگشاد

دریافتم که دانشجو باید در طوفان حوادث تشخیص بدهد که تکلیف درست چیست درست مثل همان زمانی که به حاج قاسم عزیز پیشنهاد نامزد ریاست جمهوری را دادند و ایشان صریح پاسخ دادند که: من نامزد گلوله هستم نه نامزد انتخاباتی. و ایشان باتوجه به تکلیفشان در آن زمان، که نابودی داعش بود، پاسخ دادند.

ما به عنوان یک دانشجو مأمور به تکلیف هستیم نه مأمور به نتیجه.

”لا یکلف الله نفسا الا وسعها“

خدا به اندازه‌ای که توان دارم از من تکلیف می‌خواهد.

آن تکلیف همان است که نسبت میان نگاه به فعالیت‌های امروز و نگاه به تکالیف آینده در فعالیت‌های دانشجویی و جنبش دانشجویی باید رعایت شود؛ حالا اگر ما نگاه کلانی به مسائل کشور، به آینده‌ی کشور و چالش‌هایی که فراروی ملت و کشور قرار دارد نداشته باشیم، نه تنها نمی‌توانیم وظایف آینده را ترسیم کنیم، بلکه در فعالیت‌های فعلی هم احتمال سردرگمی وجود خواهد داشت.

پس؛

ایده آل گرایی کاذب را کنار بگذاریم و در همان نقطه ای که هستیم باید هوشیارانه و با بصیرت موضع دانشجوییمان را حفظ کنیم. ان شاءالله تعالی...
و به نقل از آیت الله جوادی آملی: گوشمان به دهان رهبر انقلاب (ولی زمان) باشد،
چراکه او گوشش به دهان امام زمان عج است.
باشد که علم انقلاب اسلامی توسط جوانان مومن انقلابی به دست حضرت
ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد.



محور مقاومت به مثابه متغیری وابسته یا مستقل؟



سید محمد سیادت  دانشجوی کارشناسی
رشته علوم سیاسی
دانشگاه فردوسی

یک پژوهشگر علوم اجتماعی به طور عام یا علوم سیاسی به طور خاص برای حل یک مسئله علمی سعی در فهم ارتباط و تاثیرگذاری پدیده های اجتماعی و سیاسی بر یکدیگر میکند. وی برای ارزش و اعتبار اثر علمی خود روش پژوهش مناسبی را برمیگزیند.

اگر دقت کرده باشید در موضوعات مقالاتی که خوانش میکنیم، اثرگذاری یک چیز بر چیز دیگری بررسی میشود.

یعنی نویسندگان درصدد بررسی متغیرهایی هستند که بر متغیرهایی دیگر تاثیرگذارند. در حالت اول متغیرهایی که تاثیرگذارند، متغیر مستقل نامیده میشوند که پژوهشگر با دخل و تصرف در آن تلاش در پیشبینی پیامد آن میکند.

در حالت دوم متغیرهایی هستند که تاثیر میپذیرند و پژوهشگر میتواند در طی تحقیق روند تاثیرپذیری آن را ارزیابی کند.

پس فرق میکند که ما در تحلیل پدیده های سیاسی-اجتماعی چه مفاهیمی را بعنوان متغیر بررسی کنیم.

یکی از خبرهایی که امروزه همه مان آن را میشنویم این است که محور مقاومت، نیروهای نیابتی و یا جوانان امت گرا با توجه به وقایع خاورمیانه به تحلیل رفته اند و به زباله دان تاریخ خواهند پیوست.

اما این نگاه در یک صورت مسئله متفاوت شکل گرفته است. در این نگاه که میتوان آن را در نگاه سیاستمداران غرب نیز دید، محور مقاومت و جوانان آن تبدیل به یک متغیر وابسته شده اند. گویی هدفی بوده اند که بانیان اش به آن نرسیده اند.

اما اگر رجوعی به تاریخ داشته باشیم واقعیت به گونهای دیگر برای ما بازنمایی میشود. تمام کسانی که جامعه آماری مقاومت محسوب میشوند بعنوان یک متغیر مستقل باید بررسی شوند.

جنبش هایی که از سطح تحلیل فردی گرفته تا بین المللی تاثیرگذاری به سزایی در سرنوشت دول و ملل داشته اند.

ذکر مصادیق تاریخی با جزئیات در رسالت این یادداشت نیست اما همین اشاره کافی است که کسی اگر بخواهد پژوهشی درباره مقاومت بعنوان متغیر مستقل در خاورمیانه انجام دهد کاری دشوار پیشرو خواهد داشت. از ابومسلم خراسانی گرفته تا قیام سربداران، از هجرت تنها شرط ایمان به کیش حسن صباح و آشیانه عقاب اش گرفته تا حکم میرزای شیرازی و نهضت تنباکو و قطره های خون نواب صفوی؛ و این داستان تا جایی ادامه خواهد داشت که همه به نیرویی که مقاومت را بازتولید میکند باور پیدا کنند تا باشد ستمگری و ستم پذیری از صحنه روزگار محو گردد..

